

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگردان از: ا. م. شیر

۲۶ مارچ ۲۰۱۶

اسرار بیماری و مرگ ستالین و آغاز کارزار ستالین ستیزی اسرار فاش نشده مرگ ستالین (بخش دوم)

ریشه‌های سیاست‌بازی در "پرونده پزشکی"

اغلب تحلیلگران برای توجیه نبود کارکنان طبی در اقامتگاه چنین ادعا می‌کنند، که بعد از تشکیل "پرونده پزشکی"، ستالین همه آنها را بیرون راند. ن. س. خروشچوف در گزارش خود در جلسه بسته کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی اظهار داشت: "بیائید... پرونده پزشکی را در نظر بگیریم". در واقعیت امر هیچ "پرونده‌ای" جز گزارش خانم دکتر تیموشوک که به احتمال زیاد، تحت تأثیر یا به دستور کسی به ستالین نامه نوشت و طی آن اعلام داشت که گویا پزشکان به روش‌های غیرمجاز دست زده اند، وجود ندارد. برای ستالین همین نامه کافی بود که بی‌درنگ به این نتیجه گیری برسد که در اتحاد شوروی پزشکانی وجود دارند که به اعمال مغایر با حرفه شریف پزشکی دست می‌زنند. او دستور بازداشت گروه برجسته‌ای از متخصصان طب اتحاد شوروی را صادر کرد. ستالین چگونگی انجام بازجویی‌ها و نوع روشهای به کار بسته شده در روند بازجویی از دستگیر شدگان را شخصاً تعیین کرد.

در واقعیت امر هم واقعیات جداگانه این گزارش با خیالپردازی خروشچوف در هم آمیخته بود. ۲۹ اگست سال ۱۹۴۸ رئیس اتاق نوار قلب بیمارستان کرملین، لیدیا تیموشوک پس از معاینه آ. آ. ژدانوف، به رئیس خود نامه فرستاد و طی آن تأیید کرد که بیمار را بدون توجه به نوار قلبی او دال بر وجود سکنه قلبی معالجه نمودند. او در گزارش خود نشان داد که یگوروف و وینوگراوف، پزشکان معالج ژدانوف "به او پیشنهاد کردند که با حذف عبارت سکنه قلبی، رأی پزشکی را تغییر دهد". ژدانوف دو روز پس از این معالجه درگذشت. در کالبد شکافی از جسد ژدانوف آثار سکنه قلبی آشکار گردید که در تاریخچه بیماری او ثبت نشده بود. همه مشاوره‌های پزشکی برگزار شده بعد از مرگ ژدانوف رأی پزشکان را تأیید کردند. در نتیجه، تیموشوک از بیمارستان کرملین اخراج شد. ولاسیک در متن تندنویس مشاوره نوشت: "به وزیر گزارش شده، که رفیق پاسکربیشیف خوانده و تشخیص پزشکان را صحیح می‌داند، رفیق تیموشوک محق نیست".

اما سپس ولاسیک به عنوان فرد مسؤول سازماندهی کار پزشکان مرکز درمانی کرملین نامه تیموشوک را (برخی اوقات نام خانوادگی او را تیماشوک می‌نویسند) مورد مذاقه قرار داد و آن را در اختیار ستالین گذاشت. بر اساس

خاطرات ولاسیک، او ضمن اظهار ناباوری به مدعی تیموشوک، وی را موظف کرد "پروفسورهای معالج ژدانوف را به دقت مورد بررسی قرار دهد و تحت نظر امنیتی بگیرد، که من هم اجراء کردم. هیچ اطلاعاتی دال بر بی‌اعتباری پروفسورها وجود نداشت و من به ستالین گزارش کردم". نامه تیموشوک به آرشیو فرستاده شد.

اما چند سال بعد نامه تیموشوک توجه بریا و متحد آن وقت او، مالنکوف را جلب کرد. ولاسیک فهمید که بریا و مالنکوف سعی می‌کنند او و پاسکر بشیف را به بی‌توجهی جنائی نسبت به نامه تیموشوک متهم نمایند. با نگاهی به ریشه این دسیسه، ولاسیک متذکر شد که هر چیز از آنجا شروع شد که او در این باره که **سرکیسوف**، رئیس حفاظت بریا محصولات به عمل آمده در اقامتگاه‌های دولتی را در بازارها به فروش می‌رساند، به ستالین گزارش داد. با این حال، بریا در دفاع از سرکیسوف موفق شد و پس از آن دستگیری **فداسنیف**، فرمانده اقامتگاه ستالین را سازمان داد. او علیه ولاسیک شهادت داد و او را به تلاش برای مسموم کردن ستالین متهم نمود. به گفته ولاسیک، ستالین "**فداسنیف** را برای بازجویی فراخواند. او در این بازجویی اظهار داشت: این دروغی بود که با ضرب و شتم مجبورم کردند امضاء کنم". اگر چه فداسنیف را آزاد کردند، اما هیچ یک از مسئولان "پرونده" او مجازات نشدند. در مقابل، به گفته ولاسیک، "بریا همراه با **سرووف** شروع کرد به جمع‌آوری مدارکی علیه من، بدون اجتناب از دروغ‌بافی و مکاتبات بدگویانه".

در این هنگام سرهنگ **م. د. رومین**، سر بازپرس وزارت امنیت ملی اتحاد شوروی در امور ویژه، به بررسی "پرونده" دکتر **یا. گ. ایتنر** بود که در ۱۸ نومبر ۱۹۵۰ به علت اظهارات شدید "ضد شوروی" بازداشت شده بود. رومین مصرانه سعی می‌کرد از دکتر اعتراف گرفته و او را به شرکت در قتل **آ. س. شریاکوف**، دبیر کمیته مرکزی در سال ۱۹۴۵ و دیگر بیماران از میان مقامات بلندپایه متهم نماید. فکر مشابهی به مغز رومین، حسابدار سابق هنگامی خطوط کرد که او در اداره امنیت ملی استان آرخانگلسک استخدام شد. در آنجا، به گفته **و. س. یاسین**، معاون وزیر امنیت ملی، رومین "در آرخانگلسک یک پزشک یهودی را بازداشت کرد و او شهادت داد، که یک سازمان مخفی پزشکی در مسکو فعالیت می‌کند". رومین پس از بازداشت **ایتنر**، داستان توطئه پزشکان کرملین را نوشت که از قتل شریاکوف، ژدانوف و کالنین به دست آنها و از قصد آنها برای دست زدن به جنایات دیگر حکایت می‌کرد.

اما **و. ز. آباکوموف**، وزیر امنیت ملی، پس از بازجویی از ایتنر، اعلام داشت که "هیچ، مطلقاً هیچ اقدام مرتبط با ترور در اینجا وجود ندارد". آن وقت، در بهار سال ۱۹۵۱ **د. ن. سوخانوف**، منشی مالنکوف در اتاق پذیرش کمیته مرکزی با رومین ملاقات کرد و برای نوشتن نامه حاکی از اقامه اتهام علیه آباکوموف به ستالین، به این فرد کم سواد کمک کرد. رومین در آن نامه مدعی شد که ایتنر در اثر توطئه آباکوموف هنگام بازجویی در زندان مرد. رومین ادعا کرد که آباکوموف روند "پرونده صهیونیست‌ها" را متوقف کرد.

رومین در جست و جوی خود برای یافتن عاملان توطئه شوم، توجه خاصی روی پزشکان یهودی معطوف می‌داشت. در آن زمان، توقع دولت اتحاد شوروی از کمیته یهودی تشکیل یافته در سالهای جنگ ضدفاشیستی، دایر بر سازماندهی کمک مالی با مساعدت بورژوازی جهانی یهودی به اتحاد شوروی ویران شده که نقش تعیین کننده‌ای در تارومار کردن هیتلریزم و نجات ملت یهود از نابودی ایفاء کرد، برآورده نشد. روابط اتحاد شوروی و اسرائیل نیز با وجود این که کشور ما در سال ۱۹۴۷ در سازمان ملل متحد از تشکیل دولت یهود پشتیبانی کرد و سپس به آن کمک کرد، تنظیم نشد. امریکا برای نفوذ در این کشور به سرعت از اتحاد شوروی پیشی گرفت. شبهات به کمیته صهیونیست‌ها و همچنین، به هر کسی که از توسعه روابط بین اتحاد شوروی و اسرائیل پشتیبانی می‌کرد، افزایش یافت. در ماه نومبر سال ۱۹۴۷ کمیته یهودی منحل گردید و رهبران بازداشت شدند. از این رو، داستان توطئه پزشکان یهودی رومین با مصالح سیاسی آن دوره انطباق داشت.

به منظور بازرسی اتهام م. د. رومین کمیسیونی مرکب از گ. م. مالنکوف، ل. پ. بریا و س. د. ایگناتیف، رئیس شعبه کمیته مرکزی تشکیل گردید. بر اساس اتهام ساختگی، آباکوموف در ماه جولای سال ۱۹۵۱ از مقام وزارت برکنار و بازداشت شد. س. ای. آگالتسوف، سرپرست وزارت امنیت ملی از ماه اگست، با پشتیبانی از مدعی رومین بررسی "پرونده پزشکی" را آغاز کرد. س. د. ایگناتیف تحت الحمايه مالنکوف، بعد از آن که در ماه اگست سال ۱۹۵۱ به مقام وزیر امنیت ملی منصوب شد، به این تحقیقات شدت بخشید. در تاریخ ۱۹ اکتوبر سال ۱۹۵۱ رومین به معاونت وزارت امنیت ملی و رئیس بخش امور ویژه منصوب گردید. او به دستگیری های بیشتر از میان پزشکان کرملین پافشاری کرد. فعالیت های رومین به طرح بریا و مالنکوف، یعنی، از میان برداشتن رئیس حراستی با نفوذ ستالین، و احتمالاً پاسکرینشیف - جواب می داد.

در مقابل آن، ولاسیک و پاسکرینشیف به جمع آوری اطلاعات در خصوص وجود فساد در رهبری جمهوری سوسیالیستی گرجستان شوروی دست زدند، که در میان آنها افراد یدارای ملیت مینگرلی وجود داشتند که بریا نیز به آن تعلق داشت.

تابستان سال ۱۹۵۱ ستالین برای استراحت به گرجستان رفت. ولاسیک گواهی می دهد: "ما در پارژومی و تسخالتوبو اقامت کردیم... از معاون وزیر راه گرجستان که هیأت ما را همراهی می کرد، در باره اوضاع نامساعد گرجستان و در این باره که برای ورود به دانشگاهها ۱۰ هزار روبل طلب می شود، و یا به طور کلی در باره رشد رشومخواری در گرجستان گزارش هایی می رسید. من آن را به اطلاع ستالین رساندم. او وزیر امنیت ملی گرجستان را فراخواند که وی نیز وجود چنین واقعیهائی را تأیید نمود."

ولاسیک در خاطرات خود می نویسد: "در بازگشت به مسکو جلسه هیأت سیاسی تشکیل گردید که در آن ستالین در باره اوضاع گرجستان، از جمله، در باره رشومخواری به اعضای دولت گزارش داد. ۹ نومبر سال ۱۹۵۱ قرار هیأت سیاسی صادر گردید که در آن گفته می شد: "رشومخواری در گرجستان رشد یافته و... کاهش نمی یابد... داخل کمیته مرکزی حزب کمونیست گرجستان، درون ساختار کمیته مرکزی و دولت نیز چنین است. گروهی وجود دارد که از رشوه خواران حمایت می کند... رفیق بارامی، دبیر دوم کمیته مرکزی حزب کمونیست گرجستان در رأس این گروه قرار دارد. اعضای این گروه به خلق مینگرلی تعلق دارند... گروه ناسیونالیستی مینگرلی رفیق بارامی... یک هدف دیگر هم دارد: تصرف پست های کلیدی در ساختارهای حزبی و دولتی گرجستان و گماردن مینگرلی ها در رأس آنها". ادامه دارد...

ویراستار: حسین کوشی- [از طرف ویراستاران پورتال نیز ویراستاری شده است]

۵ فروردین - حمل ۱۳۹۵